

# رویکردهای نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی دین

○ برایان اس. ترنر  
○ مترجم: هادی جلیلی

○ The Sociology of Religion, Theoretical and Comparative perspectives  
○ Malcom B. Hamilton  
○ Routledge  
○ ۱۹۹۵، ۲۳۸ pp + iii

می‌توان انتظار داشت که با افزایش نفوذ سیاسی جنبش احیای اسلامی و بنیادگرایی، بار دیگر جامعه‌شناسی دین به عنوان پیش‌تاز پژوهش‌های جامعه‌شناختی رونق بیشتر بیابد

مسئله دین [یا دین به عنوان یک مسئله علمی] در رشد تاریخی جامعه‌شناسی نقش مهم و البته ضد و نقیضی داشته است. دین و جادو پریش‌های بنیادینی درباره ماهیت کنش عقلانی، تمایز علم از ایدئولوژی و اهمیت مناسک نمادین در ساختار اجتماعی پیش می‌کشند. همه می‌دانند که موضوع دین در رشد تئوری‌های جامعه‌شناختی مارکس، دور کیم، وبر، زیمل و پارسونز چه نقش مهمی داشت. با آن که جامعه‌شناسی دین در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به لطف جامعه‌شناسی معرفتی که پیتر برگ و توماس تولمان عرضه کردند به اوج شکوفایی خود رسید، اما پس از جنگ جهانی دوم این حوزه جامعه‌شناسی از رشد تحلیلی چندانی برخوردار نبوده است. [البته] می‌توان انتظار داشت که با افزایش نفوذ سیاسی جنبش احیای اسلامی و بنیادگرایی، بار دیگر جامعه‌شناسی دین به عنوان پیش‌تاز پژوهش‌های جامعه‌شناختی رونق بیشتر بیابد. در این میان نیز موشکافی‌های نظری درباره [وضع و نقش] دین در دوران مدرن متأخر، از بازار نشر مناسبی برخوردارند.

نوشته همیلتون در جامعه‌شناسی دین معاصر، تلاشی جدی و قابل احترام است که به موضوع دین در دوران معاصر می‌پردازد. \* بحث درباره مارکس و ایدئولوژی، دور کیم و همبستگی، تئوری‌های کارکردگرایانه و همبستگی، عقلانیت و وبر، بحث اخلاق پروتستان و تجزیه و تحلیل دنیوی شدن، دیدگاه‌های تئوریک است که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب کتاب بیشتر به نظریه‌های سنتی توجه داشته است. فصل شانزدهم سهم (Stark) و بین بوج (Bainbridge) در تحلیل و بررسی کیش‌های مذهبی در دوران معاصر را براساس تلقی دین به مثابه «جبران‌کننده» مورد توجه قرار داده است. اگرچه کتاب، مدعی ارائه نگرشی تطبیقی به دین است [عنوان فرعی کتاب یعنی «دیدگاه‌های نظری و تطبیقی» به فارسی برگردانده نشده است] اما در واقع این نوع نگرش عمدتاً درباره بودیسم اعمال شده است. کتاب با بررسی نحوه مواجهه فریود با دین و نیز تحلیل جادو براساس تئوری‌های مردم‌شناختی و نیز آثار مری داگلاس (Mary Douglas) درباره احتمال خطر و طبقه‌بندی پاک، تلاش قابل توجهی برای تحلیل دین و عاطفه به عمل می‌آورد.

متأسفانه کتاب از پرداختن به موضوعات بسیار مهم تئوری اجتماعی معاصر بازمانده است.

هیچ دذکری از بحث پسانوگرایی و آثار مهم اکبر احمدو ارنست گلنر (Ernest Gellner) که به مقایسه اسلام و پسانوگرایی پرداخته‌اند، به میان نیامده است. از تأثیر متقابل جهانی شدن فرهنگی و بنیادگرایی دینی موجود در ادیان جهانی نیز که در آثار رولند روبرسون (Robertson Roland) مطرح شده و تأثیر شاه‌راه‌های الکترونیکی بر شکل‌گیری و دوام فرهنگ‌های دینی سخنی به میان نیامده است. علاوه بر این همیلتون به آراء فلسفی فمینیستی مهمی که در تحلیل نمادگرایی و دین در آثار نویسندگانی چون کریستوا (Kristeva) مطرح شده، بی‌توجهی کرده است. همچنین مناسب بود به آثار لویناس (Levinas) نیز اشاره شود. می‌توان به فهرست انتقادات فوق عدم توجه همیلتون به موارد زیر را نیز افزود: دانیل بل که مقاله «بازگشت امر قدسی؟» وی یقیناً یکی از تأثیرگذارترین تفسیرها در مجادلات معاصر دینی بوده است، اثر جورج باتایل که تحلیل وی از قربانی کردن و اقتصاد حیاتی (libidinal economy) بخش اعظم اندیشه معاصر درباره دین و مبادله را شکل داده است، و بالاخره تحلیل جین بادریلارد از مرگ و مبادله نمادین که بسیاری از اندیشه‌های پسانوگراییه نسبت به دین در جامعه معاصر را شکل داده است. خلاصه با آن که کتاب مدعی تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های نظری است همیلتون در پرداختن به بسیاری از موضوعات محوری تئوری اجتماعی معاصر درباره دین و غیر آن کوتاهی کرده است. \*\*

پی‌نوشت‌ها:

\* این اثر با ترجمه محسن ثلاثی در سال ۱۳۷۷ توسط مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان منتشر شده است.

\*\* منبع مقاله:

The sociological Review, Vol. ۲۲, No.۲, August ۱۹۹۵

چکیده:

موضوع دین در رشد تئوری‌های جامعه‌شناختی مارکس، دور کیم، وبر، زیمل و پارسونز، نقش مهمی نداشته است. همیلتون در نوشته خود عمدتاً به نظریه‌های سنتی جامعه‌شناسی دین توجه نموده است. اگرچه کتاب، مدعی ارائه نگرشی تطبیقی به دین است. اما این نوع نگرش عمدتاً درباره بودیسم اعمال شده است. همیلتون برای تحلیل دین و عاطفه تلاش قابل توجهی نموده اما از پرداختن به موضوعات بسیار مهم تئوری اجتماعی معاصر از جمله بحث پسانوگرایی، تأثیر متقابل جهانی شدن فرهنگ و بنیادگرایی دین بازمانده است.